

جمهوریت و اسلامیت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

عظیم ایزدی اودلو

«اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحینی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت دارد» (۱)... بنابراین سیاست مدن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. (۲)

امام (ره) با انتشار کتاب «کشف الاسرار» در سال ۱۳۲۳ به شدت به کتاب «اسرار هزارساله» که توسط حکمی زاده که یکی از شاگردان احمد کسروی بود، پاسخ داد. جنبه سیاسی این کتاب از این جهت است که در آن حمله‌ای شدید و بی‌امان به سیاست‌های رضاشاه (و به طور تلویحی به جانشین او) شده بود. برای اولین بار در این کتاب بود که امام (ره) اندیشه سیاسی خود را پیرامون «حکومت اسلامی» مطرح کرده است.

برگزاری کلاس‌های درس ایشان در قم همواره با جهت‌گیری سیاسی و انتقاد از حکومت همراه بوده است. «ایشان در کلاس‌های درس فقه خود که معمولاً مهم‌ترین موضوع در برنامه درسی حوزه‌ها محسوب می‌شد الهام‌بخش و تعلیم‌دهنده نسل کاملی از علماء بود که بعداً به سازمان‌دهندگان انقلاب تبدیل شدند. مشخصه بارز درس‌های امام (ره)، توانایی در ارتباط دادن فقه با عرفان و ملاحظاتی عقلانی و سیاسی بود.» (۳)

از سال ۱۳۴۰ امام حمله مستقیم خود را علیه رژیم پهلوی آغاز کرد. در واقع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نقطه عطفی در مخالفت امام (ره) با خودکامگی شاه و سلطه آمریکا در ایران محسوب می‌شود. امام همواره رژیم پهلوی را به خاطر غرق بودن در فساد، انتخابات‌های تقلبی، زیرپا نهادن قانون اساسی، سرکوب مطبوعات و حزب‌های سیاسی، از بین

در حالی که بعضی از علما از دخالت در سیاست اجتناب کرده و به امور علمی صرف در حوزه‌ها اشتغال داشتند، علمای دیگری به طور روزافزون به موضع‌گیری سیاسی علیه حکومت می‌پرداختند. در میان علمای سیاسی مهم‌ترین چهره امام خمینی (ره) بود. (۴) امام خمینی در همان سال‌های اولیه زندگی خود در قم از طریق سخنرانی‌هایی که درباره اخلاق ایراد می‌کردند توجه دیگران را به خود جلب کرده بود. این سخنرانی‌ها که نقطه عزیمت آنها کتاب معروف «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری در زمینه سیر و سلوک اخلاقی بود به مسایل سیاسی نیز گوشه چشمی داشت و مخاطبانی را حتی از اصفهان و تهران به خود جلب می‌کرد.

امام مطلب خود را با استناد به قرآن، آغاز می‌کند (قال الله تعالی قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله متی و فرادی- آیه ۴۶ سوره سبا). امام بر این نکته تأکید می‌کند که پیامبران برای خداوند قیام کرده‌اند؛ انبیا در حالی که کاملاً مجذوب تأمل درباره خداوند بوده‌اند، برای تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی انسان‌ها قیام کرده‌اند. برعکس، مسلمانان امروزی فقط به خاطر منافع دنیوی قیام کردند و نتیجه آن‌هم، حاکمیت بیگانگان و عوامل آنها مانند رضاشاه بود. (۵)

بنابراین امام، اسلام را دینی سیاسی تلقی می‌کند و می‌گوید: از جمله مسائلی که در اسلام فراموش نشده «سیاست» و شئون مختلف آن است. همچنین معتقد است: اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی می‌کردند و اساساً عملکرد پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین، بیانگر توجه آنان به این حوزه بسیار مهم بوده است.

نویسنده در مکتوب ذیل به صورت مؤخر به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از نقطه عزیمت آن که حتی در درس‌های اخلاق وی نمود می‌یابد، می‌پردازد.

بردن استقلال دانشگاه‌ها، نادیده گرفتن نیازهای اقتصادی بازرگانان، کارگران و دهقانان، تضعیف اعتقادات اسلامی، تشویق غریب‌دگی، پذیرش کاپیتولاسیون برای اجنبی، فروش نفت به اسرائیل و گسترش مداوم دستگاه دولتی» مورد انتقاد قرار می‌داد. (۶)

در سال ۱۳۴۱، این مطلب به تدریج آشکار شد که با ظهور امام خمینی، «نوع کاملاً جدیدی از رهبری مذهبی تحقق یافته است». در سال ۴۳، امام (ره) ضمن مخالفت شدید با تصمیم مجلس برای اعطای مصونیت سیاسی به پرسنل نظامی آمریکا (کاپیتولاسیون) می‌گوید: «دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند، امروز به چنگال آمریکا و عمال آن... در نتیجه این مخالفت، امام (ره) اول به کشور ترکیه و بعد به عراق تبعید شدند.

امام (ره) در سال ۱۳۴۷ با انتشار کتاب «ولایت فقیه» نوعی انقلاب فکری و ایدئولوژیکی به وجود آوردند؛ زیرا در آن کتاب به طور مستقیم مشروعیت سلطنت را زیر سؤال برده و از حکومت فقهایی شایسته اسلامی حمایت کرد. در واقع اندیشه سیاسی امام (ره) در باب «حکومت دینی» به طور مبسوطی در این کتاب مطرح شده است. ایشان با اعلان این نکته که «حکومت اسلام، سلطنتی هم نیست تا چه رسد به شاهنشاهی و امپراطوری» ماهیت حکومت اسلامی مورد نظر خود را به این شکل بیان می‌کند:

«حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه «مشروطه» است. البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آراء اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت کنندگان در اجراء و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است.

«مجموعه شرط» همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی «حکومت قانون الهی بر مردم» است.

حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست...

چون حکومت اسلام حکومت قانون است؛ قانون شناسان و از آن بالاتر دین شناسان یعنی فقها، باید متصدی آن باشند. (۷)

بنابراین از دیدگاه امام (ره) «اسلام برای خود یک سیستم حکومتی دارد و سیستم حکومتی اش هم حکومت قانون بر مردم است و هیچ وقت فرد حاکم نیست» (۸) از آنجا که قانونگذار در اسلام ذات خداوندی است و قانون به وحی منتهی می‌شود، پس حاکم اصلی خداوند است و هیچ فرد دیگری حاکم نیست و افراد همیشه مجری قانون هستند.

به طور کلی اندیشه سیاسی امام (ره) در کتاب «ولایت فقیه» بدین قرار است: نخست این که سلطنت به طور اساسی و بنیادی محکوم است. امام

□ شاید در تاریخ تفکر شیعه، امام (ره) اولین کسی است که به

تاسیس مبنای جدید مشروعیت قدرت سیاسی پرداخته که همان نظریه «مشروعیت الهی مردمی» است، یعنی حکومت اسلامی در همه مسایل، غیر از قوانین الهی باید مبتنی بر مشارکت

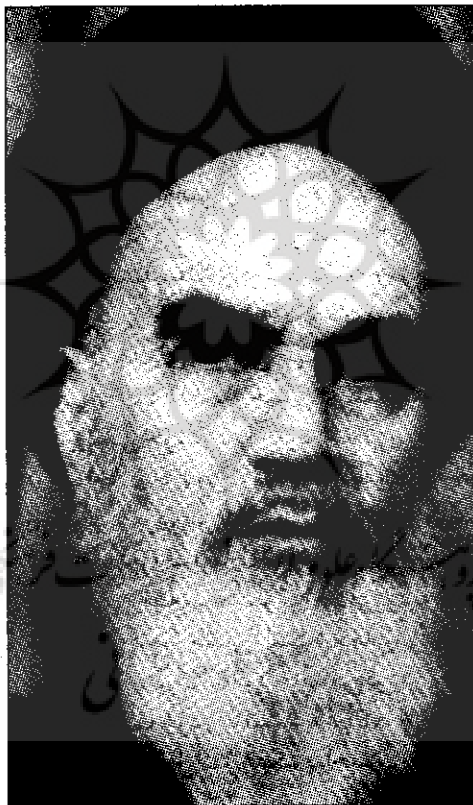
همه مردم باشد.

امام با استناد به دلایل عقلی و نقلی، استدلال می‌کند که فقها در زمان غیبت جانشینان امام زمان (عج) به شمار می‌آیند و وظیفه برپایی حکومت اسلامی را دارند. فقیه از آن جهت جانشین حضرت محسوب می‌شود که علم به قانون اسلامی دارند و البته عدالت و صلاحیت نیز از شروط اساسی در این زمینه است.

بدین ترتیب در اندیشه سیاسی امام، حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است. «پس حاکم اسلامی باید دو صفت داشته باشد که آن دو، اساس حکومت قانون است و بدون آن دو حکومت قانونی معقول نیست. یکی از آن صفات علم به قانون [دانش فقه] و دیگری عدالت است.» (۹) بنابر این در اندیشه سیاسی امام (ره)، ولایت فقیه رکن اصلی و اساسی نظام سیاسی شیعه در دوره غیبت است. حضرت امام همزمان با طرح و تصویب ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی (۱۳۵۸) بیان می‌کنند که: «ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارند این امور از مجاری خویش بیرون برود، نظارت می‌کند بر همه دستگاهها.» (۱۰)

اما امام (ره) در طرح اندیشه حکومت دینی، هیچ وقت نقش و جایگاه مردم را در این نظام نادیده نگرفته است، بلکه حکومت اسلامی مورد نظر ایشان بخشی از مشروعیت خود را از حضور مشارکت مردم به دست می‌آورد. بنابر این در اندیشه سیاسی امام، «اسلامیت» و «جمهوریت» مبنای مشروعیت حکومت دینی را تشکیل می‌دهد. تاسیس جمهوریت و تحقق دموکراسی به عنوان ارزش‌های برآمده از مدنیت جدید و هماهنگ کردن آنها با ارزش‌ها و موازین شریعت اسلامی از اهداف و برنامه‌های اصلی انقلاب اسلامی به رهبری امام (ره) بود که به بهترین وجه در قالب حکومت جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرد. در واقع نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، نخستین بار در اندیشه سیاسی شیعه، همراه با پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی ظاهر شده است.

شاید در تاریخ تفکر شیعه، امام (ره) اولین کسی است که به تاسیس مبنای جدید مشروعیت قدرت سیاسی پرداخته که همان نظریه «مشروعیت الهی مردمی» است، یعنی حکومت اسلامی (در همه مسایل، غیر از قوانین الهی باید مبتنی بر مشارکت همه مردم باشد. در حقیقت حقوق مبنایی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود در کنار قوانین اسلامی به رسمیت شناخته شده است. به رسمیت شناختن جمهوریت و اسلامیت همان چیزی است که امروز از آن به مردم سالاری دینی یاد می‌شود: بر همین اساس ایشان نوع حکومت مورد نظر خویش را جمهوری معرفی کرده و پس از پیروزی نیز بر جمهوری اسلامی، «نه یک کلمه بیش و نه یک کلمه کم» به عنوان شکل حکومت تأکید می‌کردند. به گفته بابی سعید، «پیروزی انقلاب نشان می‌دهد که امام خمینی نه احیاگر برخی باورهای سنتی گذشته، بلکه ارائه دهنده یک روند سیاسی ملین



می‌گوید که شخص رسول (ص) از امپراطوری رم و شاه ساسانی خواست که از قدرت حکومت شاهنشاهی و نامشروع خود دست بردارند. حتی قیام امام حسین (ع) به منظور حفظ اسلام از سقوط به دامن حکومت سلطنتی بود. بنابر این در اسلام «سلطنت و ولایت عهدی» وجود ندارد. دوم این که قوانین اسلام، در قرآن و سنت پیامبر (ص) همه دستورات و احکامی را که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد، شامل می‌شود. جامعه اسلامی برای پیاده کردن این قوانین و چگونگی جلوگیری از انحرافات، نیازمند به وجود پیامبر (ص) و ائمه معصومین بود. اما پس از آنها این وظیفه فقهای اسلامی است که حکومت کنند. بنابر این «حاکمیت باید رسماً به فقها تعلق گیرد».

است... اندیشه سیاسی امام از این جهت اهمیت دارد که وی نه تنها با رژیم پهلوی به طور خاص بلکه با نظم رایج سیاسی در جهان اسلام به طور عام نیز به مخالفت برخاست. در واقع به واسطه ایشان است که اسلام گرایی از یک مخالفت ساده و طرح سیاسی به کنار افتاده، به یک جنبش ضدنظم حاکم تبدیل می شود. (۱۱)

در اندیشه سیاسی امام (ره)، «جمهوری» بودن حکومت اسلامی در دوره غیبت جایگاه ویژه ای دارد. امام همواره به دو ویژگی کلی حکومت مطلوب اشاره می کند: ۱- اتکای به رای مردم (جمهوریت) و ۲- ابتنا بر قواعد و موازین اسلامی. (۱۲)

واژه «جمهوریت» و «اسلامیت» برای نخستین بار به تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۲ در مصاحبه امام (ره) با خبرنگار روزنامه فیگارو مطرح شد. امام در بند ورود به فرانسه، در پاسخ به این سؤال که «عمل شما دارای چه جهتی است و چه رژیمی را می خواهید جانشین رژیم شاه کنید؟» نوع حکومت اسلامی را «جمهوری اسلامی» معرفی کردند. (۱۳) و در مصاحبه با روزنامه گاردین به تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۰ در تبیین ماهیت نظام سیاسی موردنظر خود می گویند:

«ما خواهان استقرار جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آراء عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد.» (۱۴) باز امام (ره) در مصاحبه با روزنامه تایمز انگلستان و در پاسخ به این سؤال که حکومت اسلامی چیست؟ می گویند که حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر عدل و دموکراسی و... است. امام (ره) همچنین در مصاحبه با لوموند به تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۲ درباره ماهیت جمهوری اسلامی می گویند که: «جمهوری به همان معنایی است که همه جا جمهوری است. لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام باشد. این که ما جمهوری اسلامی می گوئیم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می شود، اینها بر اسلام متکی است لکن انتخاب با ملت است.» (۱۵)

در واقع تفسیر امام از جمهوری اسلامی، قرائتی جدید از آموزه های مملکت داری در حوزه اندیشه سیاسی تشیع است. در اندیشه سیاسی امام «اسلامیت» و «جمهوریت» دو شرط لازم برای استمرار مردم سالاری دینی به حساب می آیند. مراد امام (ره) از دموکراسی این است که مردم سرنوشت شان را خودشان به دست گیرند و مظهر آن، شرکت در انتخابات، اعم از انتخابات مربوط به قانون اساسی، مجلس، ریاست جمهوری و... است. بنابراین از این دیدگاه، دموکراسی بعد جمهوری، حکومت دینی را تشکیل می دهد. بدین ترتیب امام (ره) معتقد هستند که دموکراسی در درون خود اسلام نهفته است و این طور نیست که از بیرون به آن تحمیل یا اضافه شود. امام در پاسخ به خبرنگار روزنامه تایمز که پرسید: «دنیای غرب، شناخت صحیحی از حکومت اسلامی شما ندارد» پاسخ

دادند: «ما خواستار جمهوری اسلامی می باشیم، جمهوری فرم و شکل حکومت را تشکیل می دهد و اسلام محتوای آن فرم را که قوانین الهی است.» (۱۶) بدین سان امام (ره) از جمهوری اسلامی، نظامی را مراد می کند که مردم با شرکت در انتخابات، سرنوشت سیاسی خودشان را تعیین می کنند. چنین نظامی نقطه مقابل دیکتاتوری و خودکامگی است. بنابراین با این دیدگاه، تعیین حکومت و نخبگان سیاستگذار جزء حقوق ملت است. جمهوری اسلامی نیز که با آرای عمومی آنان ایجاد شده، باید در کلیه اموراتش متکی بر آراء و دیدگاه مردم باشد. از این رو مراد از جمهوریت در اندیشه سیاسی امام، تکیه بر مردم است و می گویند: «در این جمهوری یک مجلس ملی مرکب از منتخبان واقعی مردم، امور مملکت را اداره خواهند کرد.» (۱۷)

البته مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود، تنها محدود به انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و نظارت بر عملکرد آنان نیست، بلکه حتی عزل و برکناری آنان را نیز در بر می دارد. امام می گویند: ما «در جمهوری، حق است و مردم می توانند بگویند نه.» (۱۸)

به طور کلی جمهوریت و اسلامیت یعنی جمهوری بودن حکومت اسلامی از دیدگاه امام، از این جهت اهمیت دارد. که از یک طرف متکی به آرای عمومی ملت است و از طرف دیگر هماهنگ با «شرایط و مقتضیات جامعه» و جهان است. از این منظر است که امام خمینی چنین نظامی را، تنها نظام سیاسی مشروع در دوره غیبت می داند.

امام در پیامی که از نوفل لوشاتو در مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۶ صادر کردند «سرنوشت رژیم سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی متکی به آراء ملت» را مهمترین هدف انقلاب اسلامی معرفی می کنند:

«هدف ما همان است که در سخنرانی ها و اعلامیه های خود ذکر نموده ایم:

۱- سرنوشت سلطنت پهلوی و رژیم منحوس شاهنشاهی، ۲- به پا داشتن حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آرای ملت.» (۱۹)

امام در طرح و بیان اندیشه سیاسی خود پیرامون جمهوری اسلامی، برای آراء ملت اهمیت زیادی قائل است. در مورد جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی می گویند: «در ایران، ملت حکومت می کند،... اینجا آراء ملت حکومت می کند... و این ارگان ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای ما جایز نیست و امکان ندارد.» (۲۰) بدین ترتیب در اندیشه سیاسی امام، شالوده نظام سیاسی و هرم قدرت، با انتخاب مردم شکل می گیرد؛ البته با این شرط که چنین حکومتی باید «مبتنی بر ضوابط اسلام» باشد. در واقع تأکید امام بر دو عنصر «اسلامیت» و «جمهوریت»، در نظام سیاسی مطلوب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز انعکاس پیدا کرده است. در ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی آمده است: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و

پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.» (۱) «اسلامیت» و «جمهوریت» که به بهترین شکل در نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده یکی از ابتکارات امام در حوزه اندیشه سیاسی اسلام بوده است. چنین حکومتی از یک سو بایستی پاسدار حق و حقوق ملت باشد و از سوی دیگر باید شرایط لازم را برای ارتقای معنوی، اخلاقی و فکری شهروندان جامعه اسلامی فراهم کند.

کتابهای نوشت:

- ۱- در چنین شرایطی، برخی چون مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (متوفی ۱۳۱۴)، یا مرحوم آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی معروف به بروجردی (متوفی ۱۳۴۰) به زبان مرحوم حمید عنایت «به این نتیجه رسیده بودند که سالمترین خط مشی برای آنان این است که از سیاست عملی برکنار باشند».
- ۲- عنایت، حمید، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۷۹.
- ۳- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه: عباس مخبر، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۱، ص ۳۰۳.
- ۴- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۱، انتشارات مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۵.
- ۵- صحیفه نور، ج ۱، ص ۶۵.
- ۶- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ص ۳۰۴.
- ۷- جان لوران، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تلین، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۳۹.
- ۸- امام خمینی (ره)، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۳-۶۱.
- ۹- متفکران معاصر و اندیشه سیاسی اسلام، به کوشش مسعود رضوی، انتشارات فرزانه، تهران، ۱۳۷۸، ص ۵۹.
- ۱۰- امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، ص ۵۳-۵۰.
- ۱۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۹.
- ۱۲- بابی سعید، هراس بنیادین، ترجمه: غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴-۱۰۵.
- ۱۳- فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹.
- ۱۴- صحیفه نور، ج ۲، ص ۳۶.
- ۱۵- همان، ص ۲۶۰.
- ۱۶- همان، ج ۳، ص ۱۴۵.
- ۱۷- همان، ج ۴، ص ۱۵۷.
- ۱۸- همان، ج ۲، ص ۱۶۰.
- ۱۹- همان، ج ۲، ص ۱۵۵.
- ۲۰- صحیفه امام، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۴۹.
- ۲۱- همان، ص ۲۵۰.